

۱. بحث تزئین:.....
۲. تزئینات محرم و مکروه:.....
۳. عناوین عامه ای که محدودیت حرمت یا کراهت می آورد:.....
۳. ۱. تدلیس:.....
۳. ۲. اضرار و ما یوجب من الضرر.....
۳. ۳. چیزی که موجب تهییجات شهوانی شود:.....
۳. ۴. اسراف.....
۴. ۵. کبر و تکبر:.....
۴. ۶. تشبه به جنس مخالف:.....
۴. ۷. تشبه به کفار و مشرکین:.....
۴. ۸. لباس شهرت:.....
۵. قسم سوم: تزئین محرم در شرائط خاص.....
۵. بیان چهار چوب تزئین:.....
۵. تزئین زن و مرد:.....

بحث تزئین:

در بحث تزئین بیان شد که تزئین در چهره یا در لباس و امثال اینها از نظر فقهی محکوم به احکام خمس می شود. مطلب دیگر اینکه تزئین طبق قواعد و عمومات مباح، بلکه مستحب است به طور عام در روابط میان افراد و اینها البته با حدود و قیودی که دارد. که بعد عرض می کنیم. بعد گفتیم که اصل اباهه، بلکه شاید بگوییم اصل اولی و

قاعده عامه استحباب این پایه است. و احکام دیگر در حقیقت با عناوین خاص حکم را تغییر می دهد. به سمت وجوب، کراهت، حرمت و امثال اینها.

تزئینات محرم و مکروه:

تزئینات محرم و مکروه را از یک نگاه می شود به دو بخش تقسیم کرد. تزئینات محرم و مکروهی که نوع خاصی و با عنوان اولی در ادله وارد شده است. که راجع به این غیر از بحث تدلیس، پنج، شش مورد دیگر همه همین بود. این یک بخش بود که بحث کردیم. آن مواردی که به طور خاص نوع خاصی از تزئین به عنوان اولی در اخبار و احادیث مورد نهی قرار گرفته است. اما بنهی التحريم أو به نحو التنزیه و کراهت. که این اقسام را ذکر کردیم. علاوه بر آن اقسام که ذکر شد. یعنی قسم نوع اول دو قسمت می شود که یک قسمتش نوع خاصی است که به طور کلی و مطلق منع شده است. یک نوعهایی هم داریم که در شرائط ویژه ای منع شده است. مثلاً عطر زدن یا بعضی تزئیناتی که در حج ذکر شده است. آنها نوع خاصی است. که این هم در فقه مواردی دارد که ما نمی خواهیم راجع به آن بحث بکنیم.

نوع دوم و بخش دوم تزئیناتی است که محرم یا مکروه است که بر اساس قواعد عامه است. اینجا بحث این نوع تزئین یا آن نوع تزئین مثل ابرو برداشتن یا زدودن مو یا کلاه گیس گذاشتن یا عطر زدن و امثال اینها نیست. چیز خاصی وارد نشده است. روی عنوان خاصی نیست. یک قواعد کلی است که آنها بر تزئین در یک شرائطی منطبق می شود. این قسم دوم چهار چوبه های تزئینی است که طبق عناوین کلی مباح، بلکه مستحب است. در لباس و آراستن صورت و جسم و امثال اینها است. این بحث دوم ضوابط عامه و کلیه ای است که این چهار چوبه های تزئینات و آراستگی را مشخص می کند. پس ممنوعیت و تحریم و تنزیه نسبت به تزئینی که قاعده اولیه آن اباهه بل الاستحباب بود. دو محدودیت در آن وجود دارد. یک محدودیت به عنوان اول است. که به عنوان اولی روی مصادیق خاص آمده است. مطلقاً یا در شرائطی مثل حج و روزه و امثال اینها. این یک بحث است که گذشت. یک بحث تحریمها و تنزیه هایی است که روی مصادق خاص و عنوان خاص در دلیل وارد نشده است. و دلیلی به این شکل نیست. اما تزئین مصادقی برای یکی از این ضوابط کلی می شود. که آن ضوابط کلی منطبق بر یک دسته ای از تزئینات یا شرائط خاصی از تزئینات می شود. این قسم دوم می شود که این می شود قسم دوم که از قواعد عامه است.

عناوین عامه ای که محدودیت حرمت یا کراهت می آورد:

۱. تدلیس:

این را ضمن بحث سابق هم صحبت کردیم. غش و تدلیس است در مقام ازدواج، که این روی نوع خاص و به عنوان اولی نیامده است. تدلیس و غش یک قاعده عامه فقهی است که محرم و جایی از آن هم مکروه است. منتهی در مقام مناکحه و اینها است. در غیر مقام مناکحه هم یک نوعش گاهی مکروه است. این مطابق آن در مقام مناکحه و اینها محرم است. چه دختر و چه پسر با همان تفصیلاتی که قبلاً صحبت کردیم. این یک قاعده عامه است.

۲. اضرار و ما یوجب من الضرر

قاعده عامه دیگری که قبلاً صحبت کردیم. قاعده عامه ای است که ربما تنطبق علی نوع الخاص من التزیین. و آن ما یوجب من الضرر است. در آراستگیهای چهره و بدنی و ملبسی که موجب ضرر می شود، با تفصیلی که عرض کردیم.

۳. چیزی که موجب تهیجیات شهوانی شود:

اینجا بحث زن و مرد و این حرفها نیست. هر نوع تزیین و تزینی که معلوم است، یا احتمال قوی دارد در یک شرائطش که یک نوع تهیج شهوانی در جامعه ایجاد می کند. این هم یک قاعده است که البته این قاعده در جای خودش جزئیات و تفصیل دارد که باید در کتاب نکاح بحث شود.

۴. اسراف

در باب اسراف متأسفانه بحث فقهی جامعی من سراغ ندارد. یعنی آقایون کسی بحث نکرده است. در همین مباحث اینجا یکی از چیزهایی که من نوشتم بحث می کنیم. ولی در یک شرائط و حدودی ممکن است اسراف باشد. اسراف در هر تمتعی از نعم دنیوی مصداق دارد، مختص به اکل و شرب نیست. البته این اسراف قاعده عامه ای است که مواردی از آن حرام است. موارد خفیفه ای از آن ممکن است مکروه باشد. بحث جامعی در فقه نشده است. در اخلاق هم بحث جدید و متد مرتب اجتهادی نشده است. البته در باب عطر و لباس و اینها ادله ای که دقیق نمی دانم چقدر اعتبار دارد. ولی گاهی متعدد است. حد اسراف را تا حدی روشن کرده است. مثلاً در لباس دارد که تعدد لباس از اسراف نیست. اسراف این است که عن تجعل بذلک ثوب اینکه لباس آدابی را لباس کار قرار بدهی. یا در سراج دارد که لاصرف بالسراج که این لباسش نیست، زینت شخص نیست، ولی زینت خانه است. یا

در عطر دارد که اسراف نیست. این هم یک قاعده عامه ای است که در اینجا یک محدودیتی ایجاد می کند که اسراف است. اسراف غیر از اضرار است. حدود اسراف را باید در جای خود بحث بشود.

۵. کبر و تکبر:

گاهی نوع پوششها و یا تزئینات از آن برداشت استکبار و تکبری می شود. نظیر چیزی که بعضی پادشاهان و امثال اینها داشتند. قطعاً تکبر و استکبار و اینها در مراحل از آن با ملاحظه همه شرائط حرام است. در تزئینات و اینها هم گاهی اینطور می شود. البته استکبار و تکبر و اینها یک جاهایی از آن مطلق است. یک نسیتی هم در بعضی از موارد ظهور و شئون آنها دارد. این هم بحث دیگر که باید حدودش در جای دیگر معلوم بشود. ولی اینجا مصداقی پیدا می کند.

۶. تشبه به جنس مخالف:

گاهی تزئین موجب تشبه به جنس مخالف است. این هم یک عنوان است، ولی این عنوان را بعداً بحث می کنیم. در مکاسب هم بحث شده است. و اختلاف هم است. که آیا تشبه به جنس مخالف حرام است؟ یا حرام نیست؟ و معنایش چیست؟ اگر تشبه به جنس مخالف را کسی حرام یا مکروه دانست، طبعاً این هم یک قاعده عامه ای است که روی تزئیناتی که از جنس مخالف باشد منطبق می شود.

۷. تشبه به کفار و مشرکین:

این هم فکر می کنم در مکاسب بحث شده است. این هم اگر کسی قائل به حرمتش شد. و البته امر نسبی و متغیر است. آن هم در تزئینات مصداق پیدا می کند. و البته نسبی و متغیر است. راجع به همین کراوات در همین استفتائات موجود هم اختلاف وجود دارد. و به اختلاف مکانها فرق می کند. در لندن اگر کسی برود آنجا کراوات تشبه به کفار حساب نمی شود. در ایران امروز حساب می شود. این اگر خیلی رواج پیدا بکند، مرز بین مسلمان و کفر نیست. مگر اینکه عناوین دیگری باشد. که ابتدا ممکن است بگوییم حرام است. ولی اگر مرز برداشته شد، آنوقت مانعی ندارد. این هم از عناوین عامه ای است که در اینجا محدودیت می آورد. یا در حد حرمت یا کراهت.

۸. لباس شهرت:

این گرچه گفته شده است لباس شهرت، ولی در ذی شهرت هم هست. یعنی اینکه چهره و نوع اصلاح محاسن و پوشیدن لباس و امثال اینها اگر حالت انگشت نمایی پیدا کند. این هم محل بحث است. که البته حرمتش ضعیف است. این هم یک چیز کلی است که فقط مال تزئین نیست، جاهای دیگر هم مصداق دارد. یکی هم تزئینات در

لباس و بدن که موجب شهرت باشد. این یوجب الحرمة أو الکراهه علی تفصیل یا تئ انشاءالله. این هم عنوان دیگری است که از عناوین عامه ای که در اینجا مصداق پیدا می کند.

قسم سوم: تزئین محرم در شرائط خاص

تزئین به طور مطلق یک جاهایی حرام است. یکی تزئین در ایام عده است. که تزئین به طور کلی مورد منع قرار گرفته است. و یا تزئین اظهار هم نمی گوئیم. تزئین برای نامحرم است. این هم یک قسم است که حد حدود و ضوابط زیادی دارد که ما وارد آن نمی شوئیم.

بیان چهار چوب تزئین:

این چهار چوب ما که تقریباً با این وضع، چهار چوب کلی را به دست آوردیم به این شکل به دست می آید که تزئین مباح بلکه مستحب است. ولی همین یک چهار چوبهای تحریمی دارد که یا روی مصادیق خاص و دلیل خاص است، یا روی کلی تزئین در موارد خاص است. یا اینکه طبق قواعد کلی آمده به آن چهار چوب می دهد. این دو سه مورد تقییدی و تضییقی این تزئین است. که بیشتر هم در بدن و لباس مقصودمان بود. ولی این بحثهای عناوین و قواعد کلی که گفتیم در مثل مرکب و مسکن و اینها می آید. حداقل بعضی در آنها هم می آید. یعنی تزئین در بدن در ملبس در مسکن در مرکب اینها تزئیناتی است که وجود دارد. مسکن که می گوئید مسکن خاص نیست آن که مربوط به افراد است.

تزئین زن و مرد:

در خصوص زن که آنوقت تزئین گاهی مستحب است، گاهی حرام است، گاهی واجب است. تزئین برای زن اگر در حدودی باشد که مرد مطالبه آن را دارد و متعارف هم است، ولی او ترک کند، نوعی مرتکب حرام است. بعضی می گوئند که شاید در حد نشوز و اینها هم باشد. این هم داریم که گاهی موارد خاصه دیگر هست که گاهی تزئینات واجب هم داریم. مثلاً برای زن برای شوهرش در یک حدی واجب است. بنابر بعضی از احتمالات در حد دیگرش مستحب است مستحب مؤکد است. برای سایر محارم یک وضع دیگری دارد. برای نامحرم هم جزء مکروهات می شد. اظهار زینت برای نامحرم جز مکروهات است. اظهار و تزئین هم گاهی با هم فرق می کند که در نامحرم و اینها است. ممکن است در یک زمانی ابرو برداشتن جزء زینت ظاهر به حساب نمی آید. جزء زینتهای خاصه زوج بود، ولی ممکن است در یک شرائطی ابرو برداشتن عین اصلاح کردن مرد باشد. و برداشتن زینت باطنی و مخفی نمی شود. یا به عبارت دیگر تبرج به حساب نمی آید. که در سوره نور آمده و لا یبدین زینتهن الا لبعولتهن أو محارم را شمرده است. که آنجا الا ما ظهر منه است. و یکی هم لبعولتهن است. یکی هم تبرج است، تبرج همان اظهار زینت است. قصد اینجا منظور نیست. چیزی که حرام است، اظهار زینت برای نامحرم

است. قصد نداشت، ولی بعد اظهار کرد حرام است. قصد داشت، ولی اظهار نکرد حرام نیست. آن ابداع الزینت و تبرج حرام است. اگر زینت در منظر شوهر قرار گرفت آن مصداق واجب یا مستحب می شود و الا به قصد دخالتی ندارد.